



دانشگاه پیام نور مرکز تهران

گروه روانشناسی

پایان نامه:

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی

موضوع:

مقایسه شیوه های فرزند پروری و سبکهای دلبستگی مادران کودکان پسر مبتلا به اختلال لجبازی- نافرمانی و مادران کودکان عادی، دوره ابتدایی شهرستان ایلام.

استاد راهنما:

دکتر مهناز علی اکبری دهکردی

استاد مشاور:

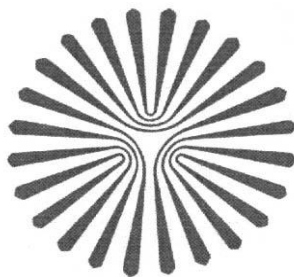
دکتر اصغر کاکو جویباری

نگارش:

اسدالله صادق خانی

پاییز ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور مرکز تهران

گروه روانشناسی

پایان نامه:

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی

موضوع:

مقایسه شیوه های فرزند پروری و سبکهای دلبستگی مادران کودکان پسر مبتلا به اختلال لجبازی- نافرمانی و مادران کودکان عادی، دوره ابتدایی شهرستان ایلام.

استاد راهنما:

دکتر مهناز علی اکبری دهکردی

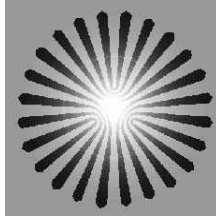
استاد مشاور:

دکتر اصغر کاکو جویباری

نگارش:

اسدالله صادق خانی

آذر ۱۳۹۰



دانشگاه پیام نور

باسمه تعالی

تصویب پایان نامه/رساله

پایان نامه / رساله تحت عنوان

که توسط در مرکز تهیه و به هیات داوران ارائه گردیده است مورد تایید می باشد.

تاریخ دفاع : نمره : درجه ارزشیابی :

اعضای هیات داوران :

<u>نام و نام خانوادگی</u>	<u>هیات داوران</u>	<u>مرتبہ علمی</u>
۱-	استاد راهنما	
۲-	استاد مشاور	
۳-	استاد مشاور همکار	
۴-	استاد داور	
۵-	نماینده گروه آموزشی	
۶-	نماینده تحصیلات تکمیلی	
۷-	نماینده مدیریت آموزشی و تحصیلات تکمیلی	

تقدیم به

## پدر بزرگوار و مادر مهربانم

خدای را بسی شاکرم که از روی کرم، پدر و مادری فداکار نصیبم ساخته تا در سایه درخت پربار وجودشان بیاسیم و از ریشه آنها شاخ و برگ گیرم و از سایه وجودشان در راه کسب علم و دانش تلاش نمایم. والدینی که بودنشان تاج افتخاری است بر سرم و نامشان دلیلی است بر بودنم، چرا که این دو وجود، پس از پروردگار، مایه هستی ام بوده اند دستم را گرفتند و راه رفتن را در این وادی زندگی پر از فراز و نشیب آموختند. آموزگاران که برایم زندگی، بودن و انسان بودن را معنا کردند....

و تقدیم به

تمامی عزیزانی که راهنمای من در تمام مراحل زندگی بوده اند.

# تقدیر و تشکر

«من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق»

سرکار خانم دکتر، مهناز علی اکبری دهکردی و جناب آقای دکتر، علی اصغر کاکو جویباری اساتید راهنما و مشاورم:

شما روشنایی بخش تاریکی جان هستی و ظلمت اندیشه را نور می بخشی. چگونه سپاس گویم مهربانی و لطف شما را که سرشار از عشق و یقین است. چگونه سپاس گویم تأثیر علم آموزی شما را که چراغ روشن هدایت را بر کلبه ی محقر وجودم فروزان ساخته است. آری در مقابل این همه عظمت و شکوه شما مرا نه توان سپاس است و نه کلام وصف.

از جناب آقای عبدالحسینی، دوست و استاد ارجمندم و سرکار خانم طیبه محتشمی، به خاطر راهنمایی های بی دریغ شان سپاسگزارم.

از تمامی مدیران و معلمانی که در انجام این پژوهش، همکاری لازم را مبذول فرمودند بی نهایت سپاسگزارم، و همچنین از والدین دانش آموزان به خاطر همکاری شان متشکرم.

سپاسگذار کسانی هستم که سراغاز تولد من هستند. از یکی زاده میشوم و از دیگری جاودانه. استادی که سپیدی را بر تخته سیاه زندگیم نگاشت و مادری که تار مویی از او پبای من سیاه نماند.

فصل اول  
کلیات پژوهش

۱-۱ مقدمه.....	Error! Bookmark not defined.
۲-۱ بیان مسئله.....	4
۳-۱ ضرورت و اهمیت مسئله.....	8
۴-۱ هدف تحقیق.....	9
۵-۱ سوال پژوهش.....	10
۶-۱ فرضیه تحقیق.....	11
۷-۱ متغیرهای پژوهش.....	12
۱-۷-۱. تعریف نظری متغیرها.....	۱۲
۲-۷-۱. تعاریف عملیاتی متغیرها.....	۱۴

فصل دوم  
ادبیات و پیشینه پژوهش

۱-۲ مقدمه.....	17
۲-۲ اختلال نافرمانی مقابله ای.....	17
۱-۲-۲. معنای کلی اختلالات کودکی.....	17
۲-۲-۲. اختلالات برونی سازی شده.....	۱۸
۳-۲-۲. تعریف اختلال نافرمانی مقابله ای (ODD): تمایزها و تشابهات.....	۱۹
۴-۲-۲. شیوع اختلال بی‌اعتنایی مقابله‌ای.....	۲۵
۵-۲-۲. اختلالات همایند با اختلال بی‌اعتنایی مقابله‌ای.....	28
۶-۲-۲. سیر و پیش‌آگاهی اختلال بی‌اعتنایی مقابله‌ای.....	۳۰
۷-۲-۲. سبب‌شناسی اختلال بی‌اعتنایی مقابله‌ای.....	۳۴
۸-۲-۲. اختلال بی‌اعتنایی مقابله‌ای و شیوه‌های فرزندپروری.....	۳۹
۹-۲-۲. فرایند شکل‌گیری رفتارهای ایدایی.....	۴۲
۱۰-۲-۲. عوامل حفاظتی در اختلالات ایدایی.....	۴۴
۱۱-۲-۲. روش‌های درمانگری اختلال‌های برون‌سازی شده.....	۴۶
۳-۲. شیوه‌های فرزند پروری.....	۴۷
۱-۳-۲. تاریخچه.....	۴۷
۲-۳-۲. تغییرات تاریخی در مفهوم سبک فرزندپروری.....	۴۹
۳-۳-۲. عمده‌ترین دیدگاه‌های نظری در مورد شیوه‌های فرزند پروری.....	۵۰

۵۰	..... ۱-۳-۳-۲. الگوی ویتر باتوم
۵۱	..... ۲-۳-۳-۲. نظریه آدلر
۵۳	..... ۳-۳-۳-۲. نظریه اریکسون
۵۴	..... ۴-۳-۳-۲. الگوی شیفر
۵۵	..... ۵-۳-۳-۲. الگوی زیگلن
۵۷	..... ۶-۳-۳-۲. نظریه بامریند
۵۸	..... ۴-۳-۲. ابعاد شیوه های فرزند پروری
۶۲	..... ۵-۳-۲. الگوهای فرزند پروری بامریند
۶۲	..... ۱-۵-۳-۲. والدین مقتدر
۶۴	..... ۲-۵-۳-۲. والدین مستبد
۶۵	..... ۳-۵-۳-۲. والدین سهل گیر
۶۹	..... ۶-۳-۲. پیامد های الگوهای فرزند پروری
۶۹	..... ۱-۶-۳-۲. پیامدهای سبک مقتدرانه
۷۰	..... ۲-۶-۳-۲. پیامد های سبک مستبدانه
۷۱	..... ۳-۶-۳-۲. پیامدهای سبک سهل گیرانه
۷۳	..... ۷-۳-۲. طبقه اجتماعی و سبک فرزندپروری
۷۴	..... ۸-۳-۲. فرهنگ و سبک فرزند پروری
۷۵	..... ۹-۳-۲. سن والدین و کیفیت فرزند پروری
۷۶	..... ۴-۲. سبک های دلبستگی
۷۶	..... ۱-۴-۲. تعریف
۷۷	..... ۲-۴-۲. رویکردهای مختلف درمورد دلبستگی مادر - کودک
۷۷	..... ۱-۲-۴-۲. رویکردهای روان تحلیلی
۷۷	..... ۱-۱-۲-۴-۲. فروید
۷۸	..... ۲-۱-۲-۴-۲. آنا فروید
۸۰	..... ۳-۱-۲-۴-۲. ماهر
۸۱	..... ۴-۱-۲-۴-۲. وینی کات
۸۲	..... ۵-۱-۲-۴-۲. اشپیتز
۸۴	..... ۶-۱-۲-۴-۲. اریکسون
۸۶	..... ۲-۲-۴-۲. رویکرد یادگیری
۸۶	..... ۳-۲-۴-۲. رویکرد رفتارشناسی طبیعی
۸۷	..... ۴-۲-۴-۲. مفاهیم اساسی رویکرد رفتارشناسی طبیعی



- ۸۷-۲-۴-۱. رفتار غریزی..... ۸۷
- ۸۷-۲-۴-۲. دروره حساس و نقش بندان..... ۸۷
- ۸۸-۲-۴-۳. دلبستگی مادر-کودک..... ۸۸
- ۸۹-۲-۴-۵. نظریه بالبی..... ۸۹
- ۹۰-۲-۴-۶. مفاهیم اساسی نظام بالبی..... ۹۰
- ۹۱-۲-۴-۱. رفتار غریزی..... ۹۱
- ۹۲-۲-۴-۲. سیستم های کنترل..... ۹۲
- ۹۲-۲-۴-۳. سیستم های رفتاری..... ۹۲
- ۹۲-۲-۴-۴. سیستم های تصحیح شونده توسط هدف..... ۹۲
- ۹۳-۲-۴-۵. الگوهای عملی درونی از چهره دلبستگی..... ۹۳
- ۹۵-۲-۴-۶. الگوهای درونی از خود..... ۹۵
- ۹۶-۲-۴-۷. دلبستگی در نظام بالبی..... ۹۶
- ۹۶-۲-۴-۸. فعال سازی و اختتام سیستم های رفتار دلبستگی..... ۹۶
- ۹۷-۲-۴-۱. مرحله اول: جهت یابی و علائم بدون افتراق..... ۹۷
- ۹۹-۲-۴-۲. مرحله دوم: جهت یابی و علائم جهت داده شده به یک الگوی افتراقی..... ۹۹
- ۹۹-۲-۴-۳. مرحله سوم: حفظ مجاورت به یک چهره متمایز شده به وسیله جابه جایی و علائم..... ۹۹
- ۱۰۱-۲-۴-۴. مرحله چهارم: شکل گیری یک مشارکت تصحیح شونده توسط هدف..... ۱۰۱
- ۱۰۱-۲-۴-۹. سبکهای دلبستگی در بزرگسالی..... ۱۰۱
- ۱۰۲-۲-۴-۱. بزرگسالان خودمختار..... ۱۰۲
- ۱۰۲-۲-۴-۲. بزرگسالان انکار کننده (فاصله جو)..... ۱۰۲
- ۱۰۲-۲-۴-۳. بزرگسالان ذهن مشغول و مجذوب..... ۱۰۲
- ۱۰۳-۲-۴-۴. بزرگسالان غیر مصمم (حل نشده)..... ۱۰۳
- ۱۰۴-۲-۴-۱۰. آسیب شناسی در نظام دلبستگی..... ۱۰۴
- ۱۰۴-۲-۴-۱۱. سبکهای دلبستگی و مشکلات رفتاری کودکان..... ۱۰۴
- ۱۰۶-۲-۴-۱۲. سبک دلبستگی و شیوه های فرزند پروری..... ۱۰۶
- ۱۰۷-۲-۴-۱۴. روشهای اندازه گیری سبکهای دلبستگی بزرگسالان..... ۱۰۷
- ۱۱۲-۲-۴-۵. پیشینه مطالعاتی..... ۱۱۲
- ۱۱۲-۲-۴-۱. مطالعات انجام شده در خارج از کشور..... ۱۱۲
- ۱۱۶-۲-۴-۲. مطالعات انجام شده در داخل کشور..... ۱۱۶
- ۱۲۱-۲-۴-۳. خلاصه فصل دوم..... ۱۲۱

## روش‌شناسی پژوهش

۱-۳	مقدمه	۱۲۳
۲-۳	طرح پژوهش	۱۲۳
۳-۳	جامعه آماری	۱۲۳
۴-۳	نمونه پژوهش	۱۲۳
۵-۳	روش نمونه‌گیری	۱۲۳
۱-۵-۳	شرایط ورود به نمونه	۱۲۴
۶-۳	خصوصیات نمونه	۱۲۴
۷-۳	ابزار پژوهش	۱۳۰
۱-۷-۳	فهرست رفتاری کودک (CBCL) و فرم گزارش معلم (TRF)	۱۳۰
۲-۷-۳	پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری دیانا باوم ریند (۱۹۷۲)	۱۳۱
۳-۷-۳	پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان (RAAS)	۱۳۲
۸-۳	شیوه اجرا	۱۳۳
۹-۳	روش تجزیه و تحلیل داده‌ها	۱۳۴

## فصل چهارم

### تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها

۱-۴	مقدمه	۱۳۶
۲-۴	تجزیه و تحلیل توصیفی یافته‌های پژوهش	۱۳۶
۳-۴	تجزیه و تحلیل استنباطی یافته‌های پژوهش	۱۴۲
۴-۴	یافته‌های جانبی	۱۴۵

## فصل پنجم

### بحث و نتیجه‌گیری

۱-۵	مقدمه	۱۴۷
۲-۵	بحث درباره یافته‌های پژوهش	۱۴۹
۳-۵	نتیجه‌گیری	۱۵۷
۴-۵	محدودیت‌های پژوهش	۱۵۸
۵-۵	پیشنهادات	۱۵۹
۱-۵-۵	پیشنهادات پژوهشی	۱۵۹
۲-۵-۵	پیشنهادات کاربردی	۱۶۰

## فهرست منابع و مآخذ

- ۱۶۱.....منابع فارسی
- ۱۶۶.....منابع انگلیسی :

## پیوست

- ۱۷۱.....ضمیمه الف
- ۱۷۷.....ضمیمه ب
- ۱۸۳.....ضمیمه ج
- ۱۸۴.....ضمیمه د
- ۱۸۶.....چکیده انگلیسی

## فهرست جداول

جدول ۱-۱: تعاریف مفاهیم نظری و عملیاتی متغیرها.....	12
جدول ۱-۲: ملاکهای تشخیصی اختلال بی‌اعتنایی مقابله‌ای در DSM-IV-TR (۲۰۰۰).....	21
جدول ۱-۳: فراوانی و درصد توزیع نمونه به تفکیک وضعیت کودک.....	۱۲۵
جدول ۲-۳: ویژگیهای توصیفی سن در کودکان نمونه مورد پژوهش.....	۱۲۶
جدول ۳-۳: ویژگیهای توصیفی سن در مادران گروه‌های مورد پژوهش.....	۱۲۷
جدول ۴-۳: ویژگیهای توصیفی میزان تحصیلات در مادران نمونه مورد پژوهش.....	۱۲۸
جدول ۵-۳: ویژگیهای توصیفی شغل در مادران نمونه مورد پژوهش.....	۱۲۹
جدول ۱-۲-۴: میانگین و انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمره مربوط به شیوه فرزند پروری سهل‌گیرانه.....	۱۳۷
جدول ۲-۲-۴: میانگین و انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمره مربوط به شیوه فرزند پروری مستبدانه.....	۱۳۸
جدول ۳-۲-۴: میانگین و انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمره مربوط به شیوه فرزند پروری اقتدارگرا.....	۱۳۹
جدول ۴-۲-۴: فراوانی و درصد سبکهای دلبستگی در کل نمونه.....	۱۴۰
جدول ۵-۲-۴: فراوانی و درصد سبکهای دلبستگی مادران به تفکیک وضعیت کودک.....	۱۴۱
جدول ۱-۳-۴: خلاصه نتایج تحلیل واریانس چند متغیری MANOVA بر روی شیوه‌های فرزندپروری در مادران گروه‌های مورد پژوهش.....	۱۴۲
جدول ۲-۳-۴: خلاصه نتایج آزمون ۲X مربوط به تفاوت سبکهای دلبستگی بین گروه‌های پژوهش.....	۱۴۳
جدول ۳-۳-۴: نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک راهه در متن MANOVA بر روی شیوه‌های فرزند پروری مادران.....	۱۴۳
جدول ۴-۳-۴: خلاصه نتایج آزمون ۲X مربوط به خرده‌مقیاس سبک دلبستگی ناایمن (دوسوگرا).....	۱۴۴
جدول ۵-۳-۴: خلاصه نتایج آزمون ۲X مربوط به خرده‌مقیاس سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی).....	۱۴۴
جدول ۶-۳-۴: خلاصه نتایج آزمون ۲X مربوط به خرده‌مقیاس سبک دلبستگی ایمن.....	۱۴۵
جدول ۷-۳-۴: فراوانی و درصد شیوع اختلال لجبازی نافرمانی.....	۱۴۵

## فهرست نمودارها

عناوین	صفحه
نمودار ۱-۳: توزیع فراوانی درصدی نمونه به تفکیک وضعیت کودک در گروه های مورد پژوهش	۱۲۵
نمودار ۲-۳: میانگین سنی کودکان گروه های مورد پژوهش	۱۲۶
نمودار ۳-۳: میانگین سنی مادران کودکان در گروه های مورد پژوهش	۱۲۷
نمودار ۴-۳: توزیع فراوانی درصدی میزان تحصیلات مادران گروه های مورد پژوهش	۱۲۸
نمودار ۵-۳: توزیع فراوانی درصدی شغل در مادران کودکان گروه های مورد پژوهش	۱۲۹
نمودار ۲-۱-۴: میانگین نمرات خرده مقیاس شیوه ی فرزند پروری سهل گیرانه در گروه های پژوهش	۱۳۷
نمودار ۲-۲-۴: میانگین نمرات خرده مقیاس شیوه ی فرزند پروری مستبدانه در گروه های پژوهش	۱۳۸
نمودار ۳-۲-۴: میانگین نمرات خرده مقیاس شیوه ی فرزند پروری اقتدار گرا در گروه های پژوهش	۱۳۹
نمودار ۴-۲-۴: درصد سبکهای دلبستگی مادران در کل نمونه	۱۴۰
نمودار ۵-۲-۴: درصد سبک های دلبستگی مادران به تفکیک وضعیت کودک	۱۴۱

## فهرست اشکال

عناوین	صفحه
شکل ۱-۲: توالی های رشدی و اختلالات همایند با اختلال بی اعتنایی مقابله ای	۲۹
شکل ۲-۲: اختلال بی اعتنایی مقابله ای و روابط آن با دیگر اختلالات	۳۳

## چکیده:

**هدف:** این پژوهش به منظور مقایسه شیوه های فرزند پروری و سبکهای دلبستگی مادران کودکان پسر مبتلا به اختلال لجبازی- نافرمانی و مادران کودکان عادی صورت گرفته است. مواد و روشها: این پژوهش یک مطالعه پس رویدادی از نوع علی مقایسه ای است که جامعه آماری آن راکلیه مادران دانش آموزان پسر دوره ابتدایی شهر ایلام در سال تحصیلی ۹۰ - ۱۳۸۹ تشکیل می دادند. حجم نمونه پژوهش ۶۰ نفر است که شامل ۳۰ نفر از مادران دانش آموزان عادی و ۳۰ نفر از مادران دانش آموزان با اختلال لجبازی نافرمانی بود که با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی در دو مرحله انتخاب شدند. از فهرست رفتاری کودک (فرم گزارش والدین و فرم معلم) به عنوان ابزار غربالگری و پرسشنامه شیوه های فرزندپروری دیاناباوم ریند و پرسشنامه سبکهای دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید، استفاده گردید. یافته ها: نتایج نشان داد که تفاوت شیوه های فرزند پروری و سبکهای دلبستگی در سطح  $P < 0/05$  بین مادران کودکان با اختلال لجبازی نافرمانی و مادران کودکان عادی معنادار بوده است. نتیجه گیری: با توجه به اهمیت عوامل خانوادگی در ابتلای کودکان به اختلال لجبازی نافرمانی، پیشنهاد می شود، این عوامل بصورت گسترده تر و همراه با عوامل دیگری بررسی شود.

**واژگان کلیدی:** شیوه های فرزند پروری؛ سبک های دلبستگی؛ اختلال لجبازی نافرمانی؛ مادران

# **فصل اول:**

## **کلیات پژوهش**

طی چند دهه گذشته علاقه و توجه به تحول عاطفی - اجتماعی کودکان افزایش یافته است. پیش از این پژوهشگران بر این باور بودند که مشکلات کودکان ناشی از نارساییهای تحولی آنهاست و این گروه کودکان مشکلات را پشت سر خواهند گذاشت. واقعیت این است که اگر چه، فرایند تحول همراه با تغییرات سریع نمی تواند فاقد ناپایداری رفتاری باشد، اما کاملاً روشن است که بسیاری از کودکان در سال های نخستین کودکی واجد مشکلات عاطفی و رفتاری ای هستند که در طی زمان و شاید تا دوران بلوغ و حتی بزرگسالی نیز تداوم یابد ( گیمپل<sup>۱</sup> و هالند<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). در یک پژوهش میزان شیوع اختلال های دوران کودکی بین ۱۴٪ تا ۲۲٪ گزارش شده و در پژوهشی دیگر میزان شوع این اختلالات بین ۶٪ تا ۲۵٪ برآورد شده است ( فلوری<sup>۳</sup> و بوچانان<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰؛ به نقل از بارکلی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲).

در الگوی جدید طبقه بندی اختلال های دوران کودکی، دوطبقه کلی از اختلال های درونی سازی شده<sup>۶</sup> و اختلالات برونی سازی شده<sup>۷</sup> مشخص شده اند ( گیمپل و هالند، ۲۰۰۲). گروه اختلالات برونی سازی شده شامل رفتارهایی هستند که به سمت بیرون از کودک جهت دارند و بیشتر افرادی را که با کودک رابطه متقابل دارند؛ مانند والدین، معلمان و همسالان را تحت تأثیر قرار می دهند. رفتارهایی چون بحث و جدل، شکستن قوانین و عدم اطاعت که باعث می شوند افراد دیگری غیر از خود کودک مورد آزار قرار بگیرند (آخنباخ و رسکولا<sup>۸</sup>، ۲۰۰۱). یکی از اختلال هایی که در گروه اختلالات برونی سازی شده جای می گیرد، اختلال لجبازی -تافرمانی است (استینر<sup>۹</sup>، رمسینگ<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۷). کودکان مبتلا به این اختلال معمولاً با بزرگترها جروبحث می کنند، غالباً از کوره در می روند، فحش و ناسزا می گویند، و غالباً خشمگین، بیزار و زودرنج هستند. غالباً فعالانه به خواست های بزرگان بی اعتنائی کرده و عمداً موجب ناراحتی دیگران می گردند، برای مسایل و اشتباهات

---

1. Gimpel

2. Holland

3. Flouri

4. Buchanan

5. Barkley

6. Internalizing

7. Externalizing

8. Achenbach & Rescola

9. Steiner

10. Remsing



خود دیگران را سرزنش می کنند. در باب علت شناسی این اختلال عوامل بسیاری مطرح شده است که از جمله آنها می توان به سبک دلبستگی والد - کودک و شیوه فرزندپروری ناکارآمد والدین اشاره کرد (بینا<sup>۱</sup>، 2002؛ برادلی<sup>۲</sup>، 2002؛ بارت و همکاران<sup>۳</sup>، 2003؛ هالنستین<sup>۴</sup>، 200؛ کاپلان و سادوک، 1382؛ بلوم کویست<sup>۵</sup>، 1386).

پژوهشهای وسیعی که در زمینه چگونگی برخورد والدین با کودکانشان و روشهای تربیتی انجام شده است، نشان می دهد که روشهای تربیتی والدین اثرات طولانی بر رفتار، عملکرد، انتظارات و در نهایت شخصیت افراد در آینده دارند. مثلاً تحقیقات نشان داده است که اگر والدین بسیار سخت گیر و دیکتاتور باشند، مانع پیشرفت و توسعه کنجکاوی و خلاقیت کودک می شوند، والدینی که اجازه نمی دهند کودک ابراز وجود یا اظهار نظر کند مانع بروز استعدادهای بالقوه کودک می شوند و در نتیجه این کودکان در آینده افرادی روان آزرده و پرخاشگر خواهند شد (رینالدی<sup>۶</sup>، هاو<sup>۷</sup>، ۲۰۱۱). سبکهای فرزند پروری تا حد زیادی بر رشد کودک تأثیر می گذارد. دیانا بامریند، الانور مکوبی و جان مارتین در شناسایی چهار نوع اصلی از سبکهای فرزند پروری جدایی ناپذیر بودند: مقتدرانه، مستبدانه، مسامحه و بی تفاوت (بورن استین<sup>۸</sup>، زلوتنیک<sup>۹</sup>، ۲۰۰۸). کارکرد خانواده معمولاً در خانواده هایی که شیوه فرزند پروری مقتدرانه را در پرورش فرزندان به کار می گیرند نیرومند تر است. خانواده هایی که در شیوه فرزند پروری خود از اصل همکاری و دموکراسی در روابط پیروی می کنند، توانایی بیشتری برای انطباق با تغییرات دارند و شرایط مناسبی برای رشد کودکان فراهم می کنند (برک<sup>۱۰</sup>، ۱۳۸۳). در روش فرزندپروری مستبدانه، باورهای والدین موجب می شود که آنان سعی کنند رفتار و نگرش های کودکان خود را مطابق معیارهای مطلق شکل بدهند و کنترل و ارزیابی نمایند، به اولیای امور و مراجع قدرت، وظیفه و کار، سنت ها و حفظ نظم، احترام بگذارند. در روش فرزندپروری آزاد گذار، والدین چشم پوشی می

---

1. Beena

2. Bradly

3. Burt & et al

4. **Holenstein**

5. Bloom quist

6. Rinaldi

7. Howe

8. Bornstein

9. Zlotnik

10. Berk

کنند و رفتارهای کودک را به هر شکلی می پذیرند تا آنجایی که ممکن است از تنبیه، به هر عنوانی، استفاده نکرده و توقع و انتظار آنان برای رفتارهای رشد یافته در کودک، اندک است (با مریند<sup>۱</sup>، 1991؛ هارت و همکاران<sup>۲</sup>، 1997؛ به نقل از دیاز<sup>۳</sup>، 2005).

از سوی دیگر محققان دریافتند که دلبستگی نا ایمن در بزرگسالان به خصوص با رفتارهای فرزند پروری همراه است که ویژگیهای آن عبارتند از: درگیر شدن کم، منفی گرایی، فقدان پاسخگویی به علائم فرستاده شده از سوی کودک، و وارد شدن به حریم کودک. (میکولینسر و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷).

از نظر بالبی بین تجارب دوران کودکی فرد از والدین خود و رفتار والدینی بعدی او رابطه و پیوستگی وجود دارد. محققان اخیراً توجه شان را کاملاً بر روی به کارگیری نظریه دلبستگی کاربردی بالبی برای فهم و درمان اختلالاتی که در آنها عوامل نسبی خانوادگی یک علت احتمالی هستند متمرکز کرده اند. روابط اولیه، احتمالاً هماهنگ با دیگر عوامل خطر در اکولوژی یک کودک منجر به الگوهای رفتاری مرتبط می شوند که می توانند تشخیص یک اختلال تکوینی و نیازمند درمان را مطرح کنند. در این روابط اولیه، رابطه مادر و کودک مهمترین نقش را در تحول کودک ایفا می کند. بالطبع این رابطه متأثر از ویژگیهای شخصیتی و خلقی مادر و خلق و مزاج کودک است. بر این اساس کیفیت رابطه مادر و کودک رقم می خورد (ماسن<sup>۵</sup>، ۱۳۸۳).

## ۱-۲. بیان مسأله:

خانواده نخستین و بادوام ترین عاملی است که اگر نه در تمام جوامع، حداقل در اکثر آنها، به عنوان سازنده و زیربنای شخصیت و رفتارهای بعدی کودک شناخته شده و حتی به عقیده ی بسیاری از روانشناسان باید ریشه ی بسیاری از اختلالات شخصیت و بیماری های روانی را در پرورش اولیه ی خانواده جستجو کرد. از میان اعضای خانواده مادر، اولین کسی است که نوزاد با او رابطه برقرار می کند، لذا مهمترین نقش را در پرورش

---

<sup>1</sup>. Baumrind

<sup>2</sup>. Hart & et al

<sup>3</sup>. Diaz

<sup>4</sup>. Mikulincer & et al

<sup>5</sup>. Masen

ویژگیهای روانی و عاطفی کودک به عهده دارد و کانون سلامتی یا بیماری محسوب می شود (هولن استین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴).

هر خانواده ای شیوه های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می گیرد، این شیوه ها که شیوه های فرزندپروری نامیده می شوند متأثر از عوامل مختلف از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره می باشد (هاردی و همکاران<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳).

تأثیر محیط خانواده بر رشد کودک بوسیله مشاهده تعامل والد-فرزند مورد بررسی قرار گرفته است. در این مشاهدات معمولاً ویژگیهای رفتاری والدین به وسیله ی دو بعد ارزیابی شده است: الف) پذیرش (گرمی)، شامل حمایت و پرورش عاطفه ی مثبت بین والدین و کودک می باشد. ب) کنترل، شامل آن دسته از رفتارهای والدین است که رفتار کودک خود را هدایت می کنند مانند: راهنمایی و کنترل، بازدارنده یا تسهیل کننده (پل کین و همکاران<sup>۳</sup>، به نقل محرابی، ۱۳۸۳).

تحقیقات معاصر در شیوه های فرزند پروری از مطالعات «بام ریند» روی کودکان و خانواده های آنان نشأت گرفته است. استنباط بامریند از شیوه های فرزند پروری بر روی یک تیپ شناسی بنا شده است که بر روی ترکیب اعمال فرزند پروری متفاوت، متمرکز است. تفاوت در ترکیب عناصر اصلی فرزند پروری (مانند گرم بودن، درگیر بودن، درخواستهای بالغانه، نظارت و سرپرستی) تغییراتی در چگونگی پاسخ های کودک به تأثیر والدین ایجاد می کند، بر اساس "نظریه اقتدار والدین بام ریند" از ترکیب دو بعد مهم یعنی «پذیرش در برابر طرد شدن» و «سخنگیری در برابر آسانگیری» الگوهای (قاطع و اطمینان بخش)، (خودکامه و مستبد) و (مساوات طلب، سهل گیر و بی بندوبار) شکل می گیرد. (دارلینگ<sup>۴</sup> و استینبرگ<sup>۵</sup>، به نقل از گلاسکو<sup>۶</sup>، ۱۹۹۷).

تحقیقات نشان می دهند که روابط خانوادگی به طور کل و روابط بین والدین (بویژه مادر) و فرزندان به طور خاص، تأثیر عمیقی بر سلامت روانی، فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی کودک دارد (کازدین و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۰۳).

<sup>۱</sup> . Holenstein

<sup>۲</sup> . Hardy & etal

<sup>۳</sup> . Paul kenien & etal

<sup>۴</sup> -Darling

<sup>۵</sup> - Steinberg

<sup>۶</sup> - Glasgow

<sup>۷</sup> . Kazdin & etal

تعاملات خانوادگی ضعیف، شامل فرزندپروری بی ثبات و مبتنی بر تنبیه، نگرش والدی طرد کننده یا سرد، قوانین انضباطی سخت و ناپایدار، دلبستگی نایمن، نظارت یا کنترل ناکافی والدی و اختصاص زمان اندک به کودک و فقدان ارتباط مثبت با او (لنگوا و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷) به عنوان عوامل خطر و پیش بینی کننده در نظر گرفته می شوند که به طور کلی کودکان را در معرض خطر بروز رفتارهای پرخاشگرانه قرار می دهند (وبستر، استراتون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵).

بالبی مؤلفه اساسی طبیعت انسان را وجود زمینه ای برای شکل گیری پیوندهای صمیمی با افراد دیگر می داند. به اعتقاد وی نظریه دلبستگی طبق پیوندهای عاطفی بین والدین و کودکان، بخصوص مادر و کودک رشد می کند و هدف رفتارهای دلبستگی در کودکان، دستیابی به امنیت در جوار بزرگسالان است. نظریه دلبستگی یکی از مفیدترین چهارچوبهای مفهومی برای درک روابط بین فردی و تنظیمات هیجانی است. بالبی معتقد است کودک همانطور که رشد میکند، الگوهای درونی بازنمایی ذهنی از خود، دیگران و الگوی تعامل با دیگران را در زمینه روابط شکل می دهد و سبکهای دلبستگی در حالی که تحت تأثیر رابطه با اولین مراقبین قرار دارد، اما در طول زندگی بر طبق الگوی مؤثر روانی به افراد دیگر منتقل شده و دیدگاه فرد رو نسبت به روابط نزدیک با دیگران شکل می دهد (میکولینسر و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴).

سبکهای دلبستگی، الگوهای عملیاتی هستند که از مراقبین به فرزندان منتقل شده و نوع روابط مادر-کودک تحت تأثیر این الگوها قرار دارد. بنابر این تجارب دلبستگی در کودکی تأثیر عمیقی بر تحول شخصیت و روابط دلبستگی بعدی دارد (کوندون<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳)، در واقع رفتار دلبستگی کودک به تدریج در خلال تحول بهنجار، برای تضمین روابط عاطفی بین یک بزرگسال و بزرگسال دیگر بروز کرده و تجربه های فرد با چهره های دلبستگی در خلال رشد نایافتگی (دوره کودکی و نوجوانی)، مسیر رفتار و الگوهای دلبستگی وی را تعیین می کنند. بدین ترتیب روابط عاطفی فرد در سراسر زندگی، به چگونگی توسعه یافتگی رفتار دلبستگی در چارچوب شخصیت وی، وابسته است (دادستان، ۱۳۸۳) از جمله اختلالهای رفتاری که الگوی خانوادگی از اصلی ترین عوامل سبب شناسی آن ذکر شده اختلال لجبازی - نافرمانی میباشد (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۰۰).

<sup>1</sup> . Lengua & etal

<sup>2</sup> . Webster-Stratton

<sup>3</sup> . Mikulincer & etal

<sup>4</sup> . Condon